

تبیین جامعه شناختی رابطه بین احساس محرومیت نسبی با مسئولیت پذیری  
اجتماعی (مورد مطالعه شهروندان ۱۸ تا ۷۰ سال شهر تبریز)\*

فتانه حاجیلو<sup>۱</sup>\* محمدباقرعلیزاده<sup>۲</sup> مصطفی رستمی<sup>۳</sup>

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده

مسئول) fhajilou@tabrizu.ac.ir تلفن: ۰۴۱۳۳۳۹۲۲۸۶

۲. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، و مدیر قطب جامعه شناسی سلامت دانشگاه

تبریز، تبریز، ایران m.alizadeh@tabrizu.ac.ir

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

mostafarostami199825@gmail.com

#### چکیده:

رفع نیازهای انسانی از طریق همکاری افراد در جامعه میسر می شود و نیل به اهداف مستلزم وجود احساس مسئولیت اجتماعی در برابر جامعه است. هدف این مقاله آن است که نشان دهد چه رابطه ای بین محرومیت نسبی و مسئولیت پذیری اجتماعی افراد وجود دارد. آیا محرومیت نسبی در بین زنان و مردان متفاوت است و اگر تفاوتی وجود دارد آیا این تفاوت تاثیری بر مسئولیت پذیری اجتماعی افراد دارد یا خیر؟ روش پژوهش پیمایشی و جامعه آماری آن، شهروندان ۱۸ تا ۷۰ سال شهر تبریز می باشند که نمونه گیری از آنها در طی سال ۱۴۰۲ شمسی و به روش خوشه ای تصادفی انجام شده است. گردآوری اطلاعات از طریق پرسشنامه، با تکنیک مصاحبه انجام شده و پایایی پرسشنامه با محاسبه آلفای کرونباخ بررسی شده که برای متغیر مسئولیت پذیری اجتماعی ۰/۸۵۴ و برای متغیر احساس محرومیت نسبی ۰/۷۰۹ می باشد که حاکی از پایایی مناسب سوالات مربوط به سنجش این متغیرها است. یافته ها نشان می دهد میزان مسئولیت پذیری اجتماعی کمتر از میزان متوسط و میزان احساس محرومیت بیشتر از

\* (این مقاله برگرفته از پایاننامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز می باشد)

متوسط ممکن در مقیاس تعریف شده برای سنجش این متغیرها است. ضریب همبستگی بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی با متغیر احساس محرومیت نسبی،  $0/28-$  محاسبه شده که نشان می‌دهد رابطه معنادار و معکوسی بین متغیرها وجود دارد. همچنین براساس یافته‌ها زنان بیشتر از مردان احساس محرومیت را تجربه می‌کنند و این امر سبب کاهش مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بین زنان شده است. براساس یافته‌ها میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی افراد برحسب وضعیت تاهل متفاوت است اما بین سن پاسخگویان با مسئولیت‌پذیری اجتماعی تفاوت معناداری وجود ندارد. براساس نتایج حاصل انجام اقداماتی برای کاهش تبعیض و نابرابری‌های اقتصادی- اجتماعی که منجر به کاهش احساس محرومیت نسبی شود می‌تواند در افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی کارساز واقع شود.

کلیدواژه: مسئولیت‌پذیری اجتماعی، احساس محرومیت نسبی، جنسیت، رفتار مسئولانه، تبریز

**Sociological explanation of the relationship between the feeling of relative deprivation and social responsibility  
(The case study of citizens aged 18 to 70 in Tabriz city)**

**Abstract:**

Achieving the goal of meeting human needs through the cooperation of people in society requires the existence of social responsibility in society. This article examines the relationship between relative deprivation and the social responsibility of individuals. Is relative deprivation different between women and men and if there is a difference, does this difference affect people's social responsibility or not? This survey research was done in Tabriz between 18 and 70 years of age citizens, who were sampled during 2022 by random cluster method. Collecting information through a questionnaire was done with the interview technique and the reliability of the questionnaire was checked by calculating Cronbach's alpha, which is 0.854 for the variable of social responsibility and 0.709 for the variable of feeling of relative deprivation, which indicates the appropriate reliability of the questions related to the measurement of these variables. The findings show that the level of social responsibility is lower than the expected average and the degree of deprivation is higher than the average possible in the scale defined to measure these variables. The correlation coefficient between social responsibility and feeling of relative deprivation was calculated as -0.28, which shows that there is a significant and inverse relationship between the variables. Also, based on the

findings, women experience deprivation more than men, and this has caused a decrease in social responsibility among women. According to the findings, the level of social responsibility of people varies according to their marital status, but there is no significant difference between the age of the respondents and social responsibility. According to the results, measures have been taken to reduce discrimination and economic-social inequalities that lead to a reduction in the feeling of relative deprivation. can be effective in increasing social responsibility.

**Keywords:** Social responsibility, feeling of relative deprivation, gender, responsible behavior, Tabriz

#### مقدمه و بیان مسئله

انسان موجودی اجتماعی است و همواره در تلاش است تا یاد بگیرد چگونه در جمع زندگی کند و نیازهای خود را تامین نماید. در جریان این یادگیری بشر به این نکته پی برده که در جستجوی نیل به اهداف فردی در اجتماع، نمی تواند دیگران و انتظاراتشان را نادیده بگیرد. این موضوع چیزی است که پایه مسئولیت پذیری اجتماعی بر آن قرار دارد. مفاهیمی چون مسئولیت پذیری، نوع دوستی و دیگرخواهی، اهمیت حضور "دیگری" در جامعه را گوشزد کرده و در راستای تقویت وجدان فردی و جمعی عمل می کنند (طالبی، ۱۳۹۳: ۳۸، ۳۹).

بررسی سابقه تاریخی درباره مفهوم مسئولیت نشان می دهد که این مفهوم در مباحثات علمی که از حدود ۱۰۰ سال پیش با فلسفه آغاز شد، مورد استفاده قرار گرفته و از آغاز قرن بیستم، "مسئولیت" در فلسفه، جامعه شناسی، حقوق و روانشناسی در بسیاری از موارد به کار رفته است. از نخستین کسانی که واژه مسئولیت را به کار برد، جان استوارت میل بود که در مقاله خود با عنوان در مورد آزادی از کلمه مسئولیت استفاده کرد. بعدها ماکس وبر واژه مسئولیت اخلاقی را وارد جامعه شناسی کرد. دانشمندان مفاهیم گوناگونی را با مسئولیت مترادف می دانند. بعضی ها آن را معادل علیت، برخی دیگر معادل دوران دیشی و تعداد دیگر معادل مسئولیت اخلاقی می دانند (ورنر بیرهوف، ۱۳۹۵: ۲۳۱).

---

1 John Stuart Mill

2 Werner Bierhoff

برای حل مشکلات و رفع چالش های فروان زندگی، « نهادهای اصلی و اولیه هر جامعه‌ای همچون خانواده، آموزش، دین، حکومت، رسانه‌های همگانی سهم بسزایی در مطابقت و تربیت الگوهای مسئولیت پذیری افراد جامعه به صورت‌های مختلف دارند» (اقدام‌پور، ۱۳۹۸: ۲۳۸). در بسیاری از عرصه های زندگی، اگر انسانها خواهان پایبندی به مسئولیت‌های اجتماعی و اخلاقی خود نباشند، هیچ نیرویی قادر به بازداري آنها از تجاوز به حقوق دیگران نخواهد بود. «از بُعد پدیدار شناختی، مسئولیت پذیری اجتماعی و اخلاقی در برگیرنده تعهدهای شناختی و رفتاری برای عمل به شیوه‌ای مسئولانه است. البته این شیوه براساس اصول اخلاقی و اجتماعی لازم برای زندگی سالم و بدون از بین بردن حقوق خود و دیگران است» (گل‌پرور، ۱۳۹۵: ۱۰۱). رفتار مسئولانه به توسعه دانش و توانایی‌های شناختی فرد کمک می‌نماید. افراد در جریان تعامل با سایرین و درک موضوعات گوناگون، به آگاهی‌های اجتماعی خود افزوده و از این طریق مهارت‌های اجتماعی لازم را جهت اقدام در عرصه اجتماعی به دست می‌آورند. ارتباط بسیار بالایی بین مسئولیت اجتماعی و ساختارهای اجتماعی وجود دارد. نهادها و ساختارهای جامعه متولی ایجاد آگاهی و تقویت مسئولیت اجتماعی اند (ایمان، ۱۳۸۹: ۲۱). رضایت مندی در جامعه بدون سطح بالایی از مسئولیت پذیری اجتماعی در بین شهروندان وجود نخواهد داشت. بدیهی است که عوامل متفاوت و متعددی می‌تواند در ساختار اجتماعی، مسئولیت پذیری اجتماعی را تحت تاثیر قرار دهد. یکی از مهمترین این عوامل احساس محرومیت است.

محرومیت به طور ضمنی، ناظر به موقعیت نابرابر میان اجزای جامعه است. موقعیتی که در آن برخی از شهروندان در مقایسه با دیگران از امکانات، امتیازها و بهره مندی های بیشتری بهره مندند و اعضای گروه محروم، در سنجش میان وضعیت خود و گروه های دیگر به احساسی می‌رسند که محرومیت نامیده می‌شود. فقر، تمرکز ثروت و نابرابری عواملی هستند که به ویژه با افزایش آگاهی در جامعه، باعث افزایش احساس محرومیت نسبی شده و هر چه این احساس بیشتر باشد رفاه ذهنی و در نتیجه کرامت انسانی روندی نزولی خواهد داشت (فندرسی، ۱۴۰۱: ۲۰۳).

طبق تعریف ارائه شده توسط تد رابرت گور، محرومیت نسبی عبارت است از ناهماهنگی بین آنچه مردم می‌خواهند، انتظارات ارزشی آنها، و آنچه در واقع به دست می‌آورند، یعنی قابلیت‌های انباشته ارزش. گور بیان می‌کند که: «شدت محرومیت نسبی از نظر میانگین درجه اختلاف ادراک شده بین انتظارات ارزشی و قابلیت‌های ارزشی به شدت متفاوت است» (صالح، ۲۰۱۳: ۱۶۵).

احساس محرومیت نسبی در بین گروه‌های اجتماعی هر جامعه متفاوت است. مثلاً زنان در زمره یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه با احساس محرومیت نسبی بالا محسوب می‌گردند. «تحقیقات نشان داده در میان گروه‌های مختلف آسیب‌پذیر، زنان به دلیل جنسیت‌شان نیازمند توجه بیشتری هستند. در برخی از کشورهای در حال توسعه و مناطق روستایی، زنان با محدودیت‌های بیشتری از جمله: دسترسی به منابع، ارتباط کمتر با شبکه‌های اجتماعی، کمبود اطلاعات کافی، نداشتن مهارت‌ها و مالکیت در زمین رو به رو می‌باشند. همچنین سوانح طبیعی به غیر از مشکلات جسمی، تاثیرات روحی و روانی گسترده‌ای نیز بر برخی زنان می‌گذارد» (ریاحی، ۱۴۰۱: ۱۰).

انتظار می‌رود با گسترش نظام شهرنشینی و عقلانی شدن روابط در جوامع معاصر، مسئولیت‌پذیری اجتماعی به دلیل منافع که برای جمع فراهم می‌آورد باید بیشتر شود. لیکن به نظر می‌رسد بروز اختلالات اجتماعی مثل احساس محرومیت نسبی منجر به کاهش مسئولیت‌پذیری اجتماعی شده است. حال پرسش‌هایی نظیر این پیش می‌آید که آیا احساس محرومیت و نابرابری خطرآفرین است و باعث دور شدن افراد از جامعه و کاهش تعهد آنها در قبال اجتماع می‌شود؟ و آیا این مسئله بر مسئولیت‌پذیری موجود در جامعه تاثیر دارد؟ از این رو پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که چه رابطه‌ای بین احساس محرومیت نسبی افراد با مسئولیت‌پذیری اجتماعی آنها وجود دارد؟

در شهرها، به دلیل توجه زیاد به دستاوردهای عینی سنجش‌پذیر و دامن زدن به فردگرایی، انزوا و بی‌تفاوتی، بررسی مسئولیت‌پذیری به ویژه مسئولیت‌پذیری اجتماعی اهمیت بیشتری

پیدا می کند. کلان شهر مدرن بستری است برای انسان شهری تا در روابط اجتماعی خود با دیگران حسابگرانه برخورد کند، این رفتارهای حسابگرانه موجب کاهش همبستگی و انسجام اجتماعی می شود و انتظار می رود بر مسئولیت پذیری اجتماعی نیز تاثیر گذارد. شهر تبریز با جمعیتی بالغ بر ۱۵۸۴۸۵۵ نفر، به عنوان پنجمین شهر پرجمعیت ایران که دچار شهرنشینی و شهرگرایی سریع شده از این قاعده مستثنا نیست. «تبریز یکی از شهرهای بزرگ ایران و مرکز استان آذربایجان شرقی است. این شهر بزرگترین شهر منطقه شمال غرب کشور و قطب اداری، ارتباطی، بازرگانی، سیاسی، صنعتی، فرهنگی و نظامی این منطقه شناخته می شود. تبریز به دلیل جای دادن بسیاری از کارخانه های مادر و بزرگ صنعتی در خود و نیز وجود بیش از ۶۰۰ شرکت قطعه ساز در آن، دومین شهر صنعتی - پس از تهران- به شمار می رود. این شهر به دلیل صنعتی بودن، برخورداری از امکانات و زیرساخت های رفاهی- خدماتی، یکی از مهم ترین شهرهای مهاجر پذیر کشور محسوب می شود» (دومین کنگره بین المللی مدیریت، اقتصاد، علوم انسانی و توسعه کسب و کار، ۱۴۰۲). جستجوی رابطه میان احساس محرومیت نسبی با میزان مسئولیت پذیری اجتماعی افراد در شهر تبریز می تواند به داده هایی که تغییر در روابط اجتماعی در این شهر را شرح می دهد بیافزاید.

### مبانی نظری

در ایجاد دگرگونی و تحول جوامع همواره بر نقش افراد جهت رسیدن به جامعه مطلوب تاکید می شود. از جمله ویژگی هایی که از طریق آن افراد می توانند به ارتقای جامعه کمک کنند، مسئولیت پذیری آنها است. از این رو مسئولیت پذیری و تعهد اجتماعی در میان کنشگران جامعه به یکی از شاخص ها و مؤلفه های توسعه یافتگی جوامع بدل شده است.

هانس بیرهوف<sup>۱</sup> روانشناس اجتماعی، مسئولیت پذیری اجتماعی را به عنوان یک ویژگی شخصیتی عالی در افراد می داند که در روابط با دیگران و در موقعیت های گوناگون و در عمل خود را نشان می دهد. از نظر او داوطلبانه بودن عمل مسئولیت اجتماعی به ان ارج و منزلت بالا

می‌بخشد. در مسئولیت‌پذیری اجتماعی نوعی کنترل درونی بر فرد حاکم است که برای برقراری روابط مبتنی بر همدلی، توجه به حقوق دیگران و به طور کلی نظام اجتماعی اهمیت دارد. از نظر وی دو مفهوم همدلی و احساس گناه با مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه‌ی تنگاتنگ دارد (نیکخواه، ۱۳۹۳: ۷).

آلفرد آدلر به مسئولیت فردی و هم مسئولیت اجتماعی تأکید دارد. آدلر فرد را به عنوان یک کل در نظر می‌گیرد، تأکید او بر انسان خلاق جهت‌دار است که مسئول سرنوشتش می‌باشد «مسئولیت از نظر آدلر تأکید بر کوشش برای برتری با جستجوی ارزش‌ها و معنادار بودن زندگی است. از دید آدلر انسان موجودی خلاق، انتخابگر، اجتماعی، مسئول و در حال شدن است. او نه خوب و نه بد است و ماهیتش در جامعه شکل می‌گیرد و تکامل او در واقعیت بخشیدن به خویش است. انسان موجودی انتخابگر است که می‌تواند هم محیط بیرونی و هم محیط درونی را شکل دهد (شفیعی، ۱۴۰۰: ۷۰). براساس نظریه کنش منطقی، رفتار در پی یک زنجیره از عوامل روی می‌دهد. حلقه ماقبل از بروز یک کنش، نیت و قصد انجام یک رفتار می‌باشد. اما قصد و نیت، خود متأثر از دو عامل است اول نگرش نسبت به رفتار، که یک متغیر شخصی و فردی است و عامل دوم، هنجارهای ذهنی است که برآوردی از ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی است (بهزادی، ۱۴۰۱: ۱۲۰).

وظیفه شناسی، مسئولیت‌پذیری، قابلیت اعتماد، عمل کردن بر اساس نظم و مقررات و اعتقاد بر این که عقل و دلیل باید بر زندگی مسلط باشد اساس نظریه گاف آتشکیل می‌دهد. گاف معتقد است گرچه مسئولیت تا اندازه‌ای با مردم آمیزی و خویشتن داری همبسته است اما با ارزش‌ها و کنترل‌ها که عوامل مهمی در زندگی افراد است مرتبط است. «فردی که دارای احساس مسئولیت بالایی است نیازهای خود را در راه نیازهای جمع فدا می‌کند. این قبیل افراد که پیامدهای رفتارهای خود را می‌پذیرند، نسبت به ساختار اجتماعی بزرگ‌تر احساس تعهد کرده و اگرچه لزوماً رهبر نیستند اما درستکار بوده و به عهد خود وفا می‌کنند قابل اعتماد و اطمینان هستند. طبق دیدگاه گاف افراد جامعه ستیز افراد مسئولی نیستند چون مدام متوجه

نیازهای خود هستند، اما افرادی که دارای مشاغلی هستند که مستلزم رفتار مسئولانه و توأم با وظیفه شناسی است، افراد مسئولیت پذیری می‌باشند. گاف معتقد است که فرد مسئول به ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی و مدنی پایبند است» (درویشی، ۱۳۹۴: ۳۵).

بر اساس نظریه کییز، فرد سالم از نظر اجتماعی، اجتماع را به صورت یک مجموعه معنادار، قابل فهم و بالقوه برای رشد و شکوفایی می‌داند و احساس می‌کند که به جامعه تعلق دارد، از طرف جامعه پذیرفته می‌شود و در پیشرفت آن سهم است. فرد خود را درون مجموعه معنی-دار، قابل فهم، دارای نیروی بالقوه برای رشد و شکوفایی همراه با این احساس که متعلق به جامعه است و خود را در اجتماع و پیشرفت آن سهم می‌داند (کوششی، ۱۳۹۸: ۱۳).

پارسونز با تاکید بر جمع گرایی و عام گرایی، آن را یکی از عوامل اجتماعی موثر در افزایش مسئولیت پذیری اجتماعی کنشگران می‌داند. عام گرایی یکی از عناصر ساختاری نظام کنش در فرایند انتخاب‌های دوتایی است که کنشگران در موقعیت انجام عمل باید بر اساس استانداردهای عام نقش با دیگران بر خورد کنند. این نوع عمل و تصمیم گیری نقطه مقابل خاص گرایی و فرد گرایی خواهد بود که در آن دامنه قضاوت و عمل محدود به کنشگران آشنا می‌باشد. پارسونز معتقد است در صورتی که افراد دامنه تصمیم گیری و قضاوت اجتماعی را به کل نظام گسترش دهند، شاهد افزایش توجه به منافع جمعی و ارزش‌ها و نوع دوستی و به طور کلی مسئولیت پذیری اجتماعی در جامعه خواهیم بود (میرمحمدی، ۱۳۹۵: ۷، ۸).

مسئولیت پذیری از مهم ترین ابعاد شهروندی است و شخص مسئولیت پذیر، بر اساس عزت نفس خود و با احترام به حقوق سایرین، دیدگاه‌های خود را ارزیابی کرده و در نهایت، پیامدهای اعمال و تصمیماتش را می‌پذیرد. صاحب نظران، ابعاد مسئولیت پذیری اجتماعی را در قالب سه بعد مطرح و مورد بحث قرار می‌دهند. بعد اول شناختی شامل: رشد دامنه اطلاعاتی فرد از انواع مسئولیت‌های اجتماعی، اعتلای مهارت‌های عقلانی، تحلیل و تفکر پیرامون این مسئولیت‌ها، بعد دوم عاطفی شامل: ایجاد انگیزه، نگرش و عواطف مثبت نسبت به انواع



مسئولیت‌های اجتماعی و بعد سوم عملکردی شامل توانایی ایفای مطلوب وظایف اجتماعی توأم با همکاری، همراهی، کمک و احترام به سایر افراد (رحیمی، ۱۳۹۴: ۳۱۰).

نظریه‌های احساس محرومیت نسبی در دو سطح فردی و گروهی قابل بررسی است و به نظر می‌رسد یافته‌های محققان براساس اینکه پژوهش‌های آن‌ها در کدام یک از سطوح صورت گرفته باشد، متفاوت است. تحقیقات نشان می‌دهد که هیچ ارتباط منطقی میان این دو شکل از احساس محرومیت وجود ندارد؛ زیرا این احتمال وجود دارد که انسان‌ها درحالی‌که از شرایط زندگی شخصی خویش راضی هستند، از تبعیض‌های موجود ضد گروهی که به آن تعلق دارند، ناراضی باشند و یا برعکس، در حالی‌که از شرایط زندگی گروهی که به آن تعلق دارند، راضی هستند، از تبعیض‌های موجود ضد زندگی خویش ناراضی باشند. بنابراین، به نظر می‌رسد که موضوع سطح تحلیل در مطالعه نظریه احساس محرومیت نسبی از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. یافته‌های محققان نشان می‌دهد در حالی‌که احساس محرومیت در سطح فردی باعث گسترش اضطراب، آشفتگی، بیگانگی و انزوای فرد در اجتماع می‌شود، ولی احساس محرومیت در سطح گروهی منجر به کاهش مشارکت به‌هنگار و گسترش خشونت سیاسی در قالب آشوب، کشمکش داخلی و غیره می‌گردد (امام جمعه‌زاده، ۱۳۹۱: ۵۲).

به شرایطی که مردم موقعیت اقتصادی اجتماعی خودشان را به وسیله‌ی درآمد، مصرف یا دیگر شاخص‌های رفاه با هم‌تایان مرفه مقایسه می‌کنند احساس محرومیت نسبی می‌گویند. در واقع، احساس محرومیت نسبی یک سنجش از نابرابری است که برای شاخص‌هایی از رشد مساوی در سطح فردی مهم است و این حقیقت را نشان می‌دهد که افراد طبقات پایین در بسیاری ابعاد نسبت به افراد طبقات بالا احساس بدتری نشان می‌دهند؛ بنابراین، مردم زمانی که آگاهی می‌یابند موقعیت مطلوب خوبی ندارند و دیگران موقعیت مشابه خوبی دارند محرومیت نسبی را احساس می‌کنند. علاوه براین، محرومیت نسبی به‌طور ضمنی به واکنش‌های روانی/ اجتماعی محرومیت مطلق مانند از خودبیگانگی اشاره دارد. محرومیت نسبی در ارتباط با تبعیض، احساس بی‌عدالتی، بیماری ذهنی و برای تفسیر ارزیابی نابرابری و باز توزیع درآمد استفاده می‌شود؛ بنابراین، محرومیت نسبی به‌طور فزاینده‌ای مکمل مفاهیم فقر مطلق به‌عنوان مهم‌ترین عامل درک پیامدهای نابرابری‌های عینی و ذهنی است (کردعلیوند، ۱۳۹۷: ۴).

به نظر ترنر<sup>۱</sup> فقر و محرومیت اجتماعی از جمله عوامل مهم کاهش احساس شهروندی است. او با آن دسته از نظرات مارکسیست‌های کلاسیک از جمله باورهای خود مارکس موافقت دارد که جامعه‌های سرمایه‌داری نوین به دلیل ماهیت طبقاتی و نابرابری اجتماعی و اقتصادی برای تبدیل شدن به یک جامعه مدنی که تضمین کننده حقوق شهروندی آحاد شهروندان باشد، فاصله زیادی دارد. عدم بهره‌مندی از زندگی مناسب سبب احساس فقر و محرومیت می‌شود. احساس فقر و محرومیت احساس هویت داشتن به عنوان یک شهروند در جامعه و شهر را کاهش می‌دهد. ترنر معتقد است احساس و درک فقر و محرومیت پدیده‌ای است که در دوره مدرن همراه با افزایش آگاهی اجتماعی و امکان جابه‌جایی مکانی به وجود آمده است. این احساس هیچ گاه در تاریخ به شکل شفاف و تحریک کننده وجود نداشته است. مشاهده برخورداری گسترده از سوی طبقات ثروتمند و افزایش دامنه تعدی‌های گروه‌های قدرتمند اقتصادی، نادارها و محرومان را متوجه شرایط بد خودشان کرده است. همین موضوع سبب می‌شود حس شهروندی در آنان در مرتبه بعد از حس برابری و عدالت‌جویی در توزیع ثروت و امکانات جامعه قرار گیرد (بابایی، ۱۳۹۰: ۹۷).

محرومیت نسبی نتیجه فرآیند مقایسه است و به عقیده مرتون<sup>۲</sup> حالت روانی و احساس کمبود است که برای شخص در رابطه با گروه یا فردی به وجود می‌آید که الگوی مرجع اوست. البته همیشه هم این گونه نیست که شخصی با احساس محرومیت نسبی، به طور عینی از داشتن چیز خاصی محروم باشد، بلکه به معنای احساس محرومیتی است که در مقایسه با وضعیت موجود فرد یا گروه دیگری بروز می‌کند این مقایسه با گروه مرجع ضروری است. گروه مرجع صرفاً یک گروه نیست بلکه ممکن است یک فرد یا حتی مفهومی ذهنی باشد (کوه‌بنانی، ۱۳۹۶: ۱۱۳).  
ایک<sup>۳</sup> معتقد است در شرایطی که مردم موفقیت اقتصادی- اجتماعی خودشان را به وسیله‌ی درآمد، مصرف یا دیگر شاخص‌های رفاه با هم‌تایان مرفه مقایسه می‌کنند که در این صورت به این احساس، احساس محرومیت نسبی می‌گویند. در واقع، احساس محرومیت نسبی یک

---

<sup>۱</sup>Turner  
<sup>۲</sup>Merton  
<sup>۳</sup>Ige

سنجش از نابرابری است مردم زمانی که آگاهی می‌یابند موقعیت مطلوب ندارند و دیگران موقعیت مشابه و خوبی دارند محرومیت نسبی را احساس می‌کنند(شاهی، ۱۳۹۹: ۲۲).

فولجر<sup>۱</sup> سه ارزیابی را برای شناسایی محرومیت نسبی ضروری می‌داند: اول اینکه عدم برخورداری، توسط فرایندی مشروع ایجاد شده باشد و افراد این نابرخورداری و محرومیتشان را غیرمنصفانه تفسیر کنند. دوم اینکه محرومیت ادراک شده پایدار باشد. سومین مسئله مهم مسئولیت ناشی از محرومیت است. تمایز مهم نظریات محرومیت نسبی در مقایسه با نظریه‌های برابری و عدالت این است که علاوه بر مقایسه نابرخورداری بر درک سزاواری تاکید دارد. افراد از مقایسه با افراد دیگر و گروه‌های دیگر، یا مقایسه با خودشان در زمان‌های مختلف استفاده می‌کنند تا شرایط فعلی خود را ارزیابی کنند. اگر این مقایسه‌ها به این منجر شود که افراد باورکنند آن چه را که سزاوارش هستند را ندارند عصبانی و خشمگین خواهند شد (حیدری، ۱۳۹۹: ۱۵۷).

فایراند<sup>۲</sup> از پیروان نظریه محرومیت نسبی تحلیل خود را در سطح سیستمی عرضه کرده است. از نظر او در برخی از جوامع، محرومیت نسبی جریانی سیستمی و مربوط به ساختار اجتماعی است و بروز شکاف بین توقعات و امکانات و در پی آن، احساس محرومیت و ناکامی در برخی جوامع ناشی از ساختارهای نظام اجتماعی است (جواهری، ۱۴۰۱: ۵۲). به نظر می‌رسد این احساس محرومیت می‌تواند منجر به نارضایتی ساختاری شود.

پارسونز در نظریه خود که چهار عامل کنترلی را منافع اقتصادی، قدرت، تشویق و وجدان فرد معرفی می‌کند؛ می‌گوید وقتی که در اثر تغییرات، این ابزار طوری به هم ریخته شود که برخی افراد کمتر برخوردار از آنها شوند و احساس محرومیت کنند، خود را مقید به پابندی به ارزش‌های جامعه نخواهند دانست؛ از اینرو شکاف ارزشها به وجود خواهد آمد. به طور کلی محرومیت اجتماعی فرایند گسست و جدایی از شرایط عمومی و خصوصی به علت محرومیت مادی و توزیع نامناسب منابع اجتماعی است (ابویسانی، ۱۳۹۹: ۲۹۹).

یکی دیگر از نظریه پردازان دیدگاه محرومیت نسبی؛ رانسی من<sup>۱</sup> است. به عقیده وی احساس کمبود نسبی یا بی‌عدالتی نسبی وقتی پدید می‌آید که انسان: مسئله ارضای نیاز را ادراک کند، این احساس نیاز با عنوان احساس کمبود نسبی یا بی‌عدالتی نسبی معرفی می‌شود و در کانون نظریه محرومیت نسبی قرار می‌گیرد (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

از دیدگاه اجتماعی روانی، زنان و مردان از لحاظ ملاحظات زیست‌شناختی، نقش و مسئولیت‌هایی که جامعه برای آنها و موقعیت‌شان در خانواده و اجتماع طراحی می‌کند، متفاوت هستند. در این رویکرد، عوامل روانی اجتماعی، مثل حمایت اجتماعی، ارتباطات اجتماعی، کنترل کار و... بیشتر در نظر گرفته می‌شوند. مردم دیگران را به عنوان استاندارد برای مقایسه خود و خود ارزیابی‌شان در نظر می‌گیرند و نابرابری اجتماعی به توزیع نابرابر استرس‌های روانشناختی طولانی مدت منجر می‌شود که بسته به منابع ضربه‌گیر موجود، از جمله حمایت اجتماعی و سرمایه اجتماعی بر سلامت فرد اثر می‌گذارد (خاوری، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

از دیدگاه آمارتیا سن<sup>۲</sup>، جنسیت یکی از عوامل طرد و کنار گذاشته شدن افراد از محیط‌های مختلف است. تجربه تفاوت‌های جنسیتی و تبعیض در خانواده سبب فقر قابلیت برای بسیاری از زنان می‌گردد. عدم دسترسی به منابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از تبدیل و بروز قابلیت‌های فرد جلوگیری می‌کند و آنها را ناتوان جلوه می‌دهد. تخریب شبکه‌های ارتباطی و ضعف روابط اجتماعی و از میان رفتن حمایت‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی و تخریب هویت و حیثیت افراد و طرد اجتماعی آنها شرایط ناگواری را برایشان ایجاد می‌کند و آنان را مستعد انجام کارهای مختلف و افتادن در وضعیت آسیب‌های مختلف می‌سازد (گلابی، ۱۳۹۹: ۲۵۴).

پیشینه پژوهش

---

1 Runciman  
2 Amartya Sen

جستجو برای پیشینه تحقیقات انجام یافته پیشین در خصوص متغیرهای پژوهش نشان می دهد موضوع محرومیت نسبی و مسئولیت پذیری اجتماعی از زوایای مختلفی بررسی شده است. جلیلی تل چگاه، کلدی، آقاجانی مرساء (۱۴۰۱) تحقیقی را تحت عنوان تحلیل وضعیت اخلاق اجتماعی با تاکید بر مسئولیت پذیری اجتماعی، در بین ۶۰۰ نفر از زنان و مردان بالای ۱۸ سال شهر تهران با روش پیمایشی انجام داده اند. یافته های آنها میزان مسئولیت پذیری در بین جامعه مورد تحقیق را متوسط ارزیابی کرده و نشان می دهد مسئولیت پذیری اجتماعی با جنسیت رابطه معناداری ندارد، اما افراد متأهل میزان مسئولیت پذیری بیشتری دارند. در پژوهش سفیری و میرزائی (۱۴۰۱) تجربه زیسته دختران حاشیه نشین از مفهوم محرمیت در منطقه حاشیه نشین دولت آباد استان کرمانشاه، مطالعه شده و برای گردآوری داده ها با هجده نفر از دختران حاشیه نشین بالاتر از هجده سال، مصاحبه نیمه ساختار یافته و عمیق انجام شده و طبق نتایج اوضاع سخت اقتصادی و وضعیت نامناسب اجتماعی و فرهنگی در دو مضمون اصلی: باورهای محدودکننده فردی و فضای نامطلوب جامعه حاشیه نشین محدودکننده ترین عوامل حرکت دختران در رسیدن به هدف های متعالی است.

صفاریان، ادهمی و مرادی (۱۳۹۹) در پژوهشی با هدف بررسی رابطه فردگرایی و محرومیت نسبی با بی تفاوتی اجتماعی در بین جوانان ۲۰-۳۰ ساله شهر کرمانشاه، نتایج پژوهش حاکی از آن است که میزان محرومیت نسبی و فردگرایی با بی تفاوتی اجتماعی جوانان ارتباط معناداری دارند. نتایج پژوهش کرمی و ادریسی (۱۳۹۹) برای بررسی همبستگی عوامل اجتماعی- فرهنگی و تعهد اخلاقی در شهروندان شهر ابهر که جامعه آماری آن شهروندان بالای ۱۸ سال شهر ابهر است نیز نشان می دهد احساس ناامنی، احساس بی عدالتی، احساس نابرابری و اعتماد اجتماعی با تعهد اخلاقی همبستگی دارند.

در پژوهش قاسمی، کردزنگنه، حسابی (۱۳۹۶) با هدف بررسی رابطه بین احساس محرومیت نسبی و تبعیض با بی تفاوتی اجتماعی در شهر اهواز و همچنین پژوهش مشابه رمضان- خواه (۱۳۹۵) در شهر تهران نتایج نشان می دهد احساس محرومیت نسبی با بی تفاوتی اجتماعی رابطه دارد. گل پروروجمشیدیان (۱۳۹۵) در تحقیق رابطه مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه که بین دانشجویان انجام داده اند، نیز نتایج تحقیق

حاکمی است بین ابعاد مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی با باور به دنیای عادلانه رابطه معناداری وجود دارد.

در پژوهش قاضی‌زاده و کیانپور (۱۳۹۴) بین دانشجویان دانشگاه اصفهان نتایج حاکی است میزان بی‌تفاوتی اجتماعی برحسب متغیرهای جنسیت و وضعیت تاهل به شکل معناداری متفاوت است، هنگام وقوع حالت‌های اضطراری، مردان بی‌تفاوتی کمتری نسبت به زنان نشان می‌دهند همچنین، بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی با بی‌تفاوتی اجتماعی و نیز سرمایه اجتماعی با بی‌تفاوتی اجتماعی ارتباط معنادار و معکوسی مشاهده شده است.

کوهن<sup>۱</sup>، میزراهی<sup>۲</sup> و گاودت<sup>۳</sup> (۲۰۲۰) به بررسی عواملی می‌پردازند که بر نگرش شهروندان نسبت به ارائه خدمات جایگزین مراقبت‌های بهداشتی تأثیر می‌گذارد آنها با مطالعه ۶۲۵ نفر از شهروندان یک شهر دریافتند رضایت و باور شهروندان از مسئولیت‌پذیری اجتماعی دولت، بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی شهروندان تأثیر می‌گذارد.

ژارموسویکا<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۱۹) در جستجوی عوامل موفقیت شهروندان مسئولیت‌پذیر در مورد نقش خود در جوامع و شرکت‌ها در کشور لتونی، دریافتند شهروندانی که آگاهی بیشتری دارند با مشارکت در فعالیت‌هایی که امکان اجرای مسئولیت اجتماعی را برایشان فراهم می‌کند به عوامل تغییر اجتماعی تبدیل می‌شوند و در مقابل بی‌عدالتی‌ها اقدام می‌کنند. محققان به آموزش به عنوان عامل مهم درک مسئولیت اجتماعی و رفع نابرابری تأکید می‌کنند.

کالن<sup>۵</sup>، کیم<sup>۶</sup>، گئورگیو<sup>۷</sup>، ماتیوس<sup>۸</sup> (۲۰۱۷) در پژوهشی با هدف بررسی رابطه محرومیت نسبی شخصی و اجتماعی شدن، که در مجموع ۲۲۳۳ شرکت‌کننده در آن حضور داشتند به این نتیجه دست یافتند که: این باور که یکی بدتر از دیگران است، نقش کلیدی را در ارتباط بین طبقه

---

<sup>1</sup>Cohen

2

Mizrahi

<sup>3</sup>Gadot

<sup>4</sup>Jarmusevica

<sup>5</sup>Callan

<sup>6</sup>Kim

7

Gheorghiu

8

Matthews

اجتماعی و جامعه‌پذیری ایفا می‌کند. در تمام نمونه‌ها و اندازه‌گیری‌های متعدد، افرادی که از نظر محرومیت نسبی شخصی بالاتر بودند، تمایل کمتری برای کمک به دیگران داشتند. درامز هاج<sup>۱</sup>، استفان<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) پژوهشی را با هدف تاثیر جنسیت بر ادراک مسئولیت پذیری انجام داده اند آنها مجموعه‌ای از سؤالات را در مورد باورهای شرکت‌کنندگان در مورد سطوح مسئولیت اجتماعی ارائه کردند. نتایج پژوهش نشان داد جنسیت نقش مهمی در درک مسئولیت اجتماعی دارد، همچنین زنان دارای سطوح بالاتری از هویت اخلاقی درونی شده نسبت به مردان هستند.

ویتریچ<sup>۳</sup> (۲۰۱۴) در پژوهش با عنوان پذیرش نابرابری مانع از مسئولیت می‌شود در یافت که فاصله قدرت بیشتر منجر به ادراک ضعیف‌تر از مسئولیت برای کمک به دیگران می‌شود که موجب می‌شود رفتار خیرخواهانه کاهش یابد..

#### جمع بندی ادبیات و چارچوب نظری پژوهش

با جمع بندی نظریه‌های مرور شده و آنچه پژوهش‌های پیشین بدان پرداخته اند مشاهده می‌شود مسئولیت‌پذیری حداکثر در قالب هفت مؤلفه اصلی شامل: خودمدیریتی، امانتداری، وظیفه شناسی، سازمان یافتگی و پیشرفت گرایی بررسی شده است. خودمدیریتی نشانه مسئول بودن و خویشتن داری برای دستیابی به اهداف و پافشاری در جبران شکست‌ها و ناکامی‌ها است. امانتداری، تعهد نسبت به حفاظت از جان و مال و حقوق دیگران و وفاداری نسبت به پیمان است. وظیفه شناسی، بیانگر انجام اعمال و تکالیف محوله به طور شایسته بدون تذکر دیگران، دیگرخواهی و جامعه دوستی است. سازمان یافتگی امکان بررسی درباره امکان سنجی و برنامه ریزی در کارها، بودجه بندی و پس انداز منظم را فراهم می‌کند و پیشرفت گرایی: آگاهی و میل به بهتر شدن، انگیزه ای درونی برای پایان رساندن موفقیت آمیز یک تکلیف، رسیدن به یک هدف یا دستیابی به درجه معینی از شایستگی در کار است (رحیمی، ۱۳۹۴: ۱۰۴). نظم پذیری، حاکی از دقت و مراقبت در استفاده از وسایل و جایگزینی صحیح آنها، داشتن آمادگی لازم قبل از انجام کار، تمیز و مرتب بودن درامور و رعایت بهداشت است و قانونمندی نشان

---

<sup>۱</sup> Droms Hatch

<sup>۲</sup>

Seryl Ann K. Stephen

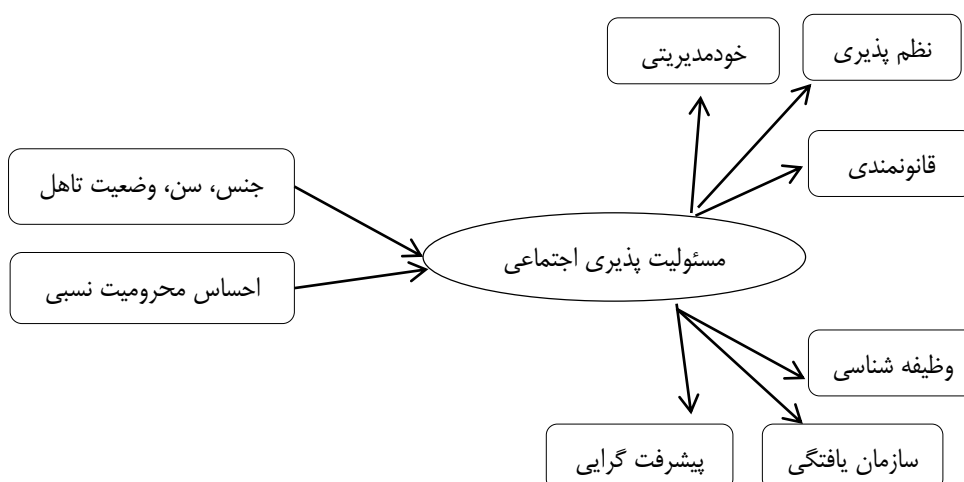
<sup>۳</sup>Winterich

از تبعیت از قواعد و معیارهای اجتماعی و درک قوانین گروهی، احساس التزام عمل در موقعیت‌های گوناگون، تقید نسبت به دیگران و رعایت حقوق آنها دارد (حسینی، ۱۳۹۷: ۳۴).

با بررسی نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف در باب محرومیت نسبی نیز در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که احساس محرومیت نسبی در یک فرایند از طریق مقایسه وضعیت‌ها به وجود می‌آید. به خصوص در شرایط رقابت، افراد یا گروه‌های مرجع می‌توانند خواسته‌های جدیدی در انسان ایجاد کنند. خواسته‌هایی که به نوبه خود شاید خواسته‌های حقیقی فرد نباشند، اما در مقایسه با دیگران در فرد احساس نیاز به وجود می‌آورند. احساس محرومیت اجتماعی فرایند گسست و جدایی از شرایط عمومی و خصوصی به علت محرومیت مادی و توزیع نامناسب منابع اجتماعی است. در نظریه ترنر فقر و محرومیت اجتماعی از جمله عوامل مهم کاهش احساس شهروندی است. عدم بهره‌مندی از زندگی مناسب سبب احساس فقر و محرومیت می‌شود. احساس فقر و احساس محرومیت، هویت داشتن به عنوان یک شهروند در جامعه و شهر را کاهش می‌دهد. ترنر معتقد است احساس محرومیت پدیده‌ای است که در دوره مدرن همراه با افزایش آگاهی اجتماعی به وجود آمده است. مشاهده برخورداری گسترده از سوی طبقات ثروتمند و افزایش دامنه تعدی‌های گروه‌های قدرتمند اقتصادی، نادارها و محرومان را متوجه شرایط بد خودشان کرده است. همین موضوع سبب می‌شود حس شهروندی در آنان در مرتبه بعد از حس برابرخواهی و عدالت‌جویی در توزیع ثروت و امکانات جامعه قرار گیرد. چارچوب تبیین‌های پژوهش حاضر بر مبنای این نظریه نظریه‌ها خواهد بود.

#### مدل نظری پژوهش

با توجه به جمع‌بندی ارائه شده و چارچوب نظری، مدل نظری پژوهش به صورت زیر است:





## شکل ۱ مدل نظری پژوهش

### فرضیه‌های پژوهش

بین محرومیت نسبی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی افراد رابطه وجود دارد.  
بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی افراد و سن آن‌ها رابطه وجود دارد.  
مسئولیت‌پذیری اجتماعی افراد برحسب جنس متفاوت است.  
مسئولیت‌پذیری اجتماعی افراد برحسب وضعیت تاهل آن‌ها متفاوت است.

### روش تحقیق

تحقیق حاضر در جامعه آماری شهروندان بین ۱۸ تا ۷۰ سال ساکن شهر تبریز در سال ۱۴۰۱ انجام یافته است. روش پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه می‌باشد. براساس آخرین آمار رسمی در سال ۱۳۹۹، جمعیت شهر تبریز ۱۵۸۴۸۵۵ نفر اعلام شده که قریب ۷۵۰۰۰۰ نفر آنها در رده سنی ۱۸ تا ۷۰ سال می‌باشند (درگاه ملی آمار، ۱۴۰۱). حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین شده، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی است. اطلاعات مورد نیاز تحقیق به وسیله پرسشنامه که سوالات آن براساس بازنویسی سوالات پرسشنامه‌های استاندارد تعیین شده، جمع‌آوری شده است.

### تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای تحقیق

مسئولیت‌پذیری اجتماعی، در نظریه سرین‌واسولو (۲۰۱۳)<sup>۱</sup> تعهد تصمیم‌گیران برای اقداماتی است که علاوه بر تأمین منافع خود، موجبات بهبود رفاه جامعه را نیز فراهم می‌آورد (Sri E, Sreenivasulu, 2013). در این تئوری مسئولیت‌اجتماعی مبتنی بر سیستم اخلاقی است که در آن تصمیمات و اقدامات باید قبل از انجام اقدامات اخلاقی مورد تایید قرار گیرد. اگر اقدام یا تصمیم به اجتماع و یا محیط زیست آسیب برساند، به لحاظ اجتماعی غیر مسئولانه محسوب می‌شود. هر فرد مسئولیت دارد به شیوه‌ای عمل کند که برای جامعه سودمند باشد و نه صرفاً برای فرد (جلیلی تلچگاه، ۱۴۰۱، ۱۴۵).

---

<sup>۱</sup>Sreenivasulu

با توجه به تعریف مفهومی، برای سنجش مسئولیت‌پذیری اجتماعی با ترکیب و بازنویسی از سوالات پرسشنامه مرگلر و شیلد (۲۰۱۶)، پرسشنامه هاریسون گاف (۱۹۹۵) و پرسشنامه نعمتی (۱۳۸۶) استفاده شده است. این متغیر در هفت بعد خود‌مدیریتی، نظم‌پذیری، قانونمندی، امانت‌داری، وظیفه‌شناسی، سازمان‌یافتگی، پیشرفت‌گرایی، بررسی شده است. اندازه‌گیری متغیر مسئولیت‌پذیری با استفاده از طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای و با ۴۲ سوال انجام شده است. نمره دهی بین ۱ تا ۵ برای گزینه‌ها بوده به این ترتیب حداقل و حداکثر امتیازات قابل اکتساب بین ۴۰ تا ۲۱۰ می‌تواند باشد. که دامنه تغییرات متغیر وابسته بین ۶۰ و ۱۵۷ قرار دارد که مقدار محاسبه شده برای این متغیر کمتر از مقدار متوسط قابل سنجش برای این متغیر می‌باشد.

محرومیت به طور ضمنی ناظر بر شرایطی نابرابر میان اجزای یک جامعه است؛ شرایطی که در آن برخی از شهروندان از امکانات، امتیازها و بهره‌مندی‌های بیشتری نسبت به برخی دیگر بهره‌مندند و اعضای گروه محروم در نسبت‌سنجی میان وضعیت خود و وضعیت گروه‌های دیگر به احساسی دست می‌یابند که محرومیت نامیده می‌شود. محرومیت نسبی، برداشت بازیگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی و توانایی‌های ارزشی آنهاست. انتظارات ارزشی، کالاها و شرایط زندگی هستند که مردم خود را مستحق آن می‌دانند. توانایی ارزشی کالاها و شرایطی هستند که انسان‌ها فکر می‌کنند عملاً توانایی کسب و حفظ آنها را دارند (اصغری‌نیاری، ۱۳۹۷: ۳۲۶، ۳۲۷). با توجه به تعریف مفهومی برای سنجش محرومیت نسبی از پرسشنامه استاندارد عباس‌نیا (۱۳۹۱) استفاده شده است. اندازه‌گیری متغیر محرومیت نسبی با استفاده از طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای و با ۱۵ سوال انجام شده است. نمره دهی بین ۱ تا ۵ برای گزینه‌ها بوده به این ترتیب حداقل و حداکثر امتیازات قابل اکتساب بین ۱۵ تا ۷۵ می‌تواند باشد. که دامنه متغیر محرومیت نسبی بین ۱۷ و ۶۷ قرار دارد، که مقدار محاسبه شده برای این متغیر پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد.

#### روایی و پایایی

برای محاسبه روایی از اعتبار صوری استفاده شده است. این نوع از روایی نشان‌دهنده آن است که ابزار اندازه‌گیری تا چه اندازه وجوه مختلف مفهوم را می‌سنجد.

همچنین با توجه به چندبعدی بودن متغیر مسئولیت اجتماعی نتایج تحلیل عاملی برای آن بررسی شده و ضریب به دست آمده KMO که شاخصی از کفایت نمونه گیری است، برابر ۰/۸۶۲ است که نشان می دهد، اندازه نمونه جهت تحلیل عاملی رضایت بخش است. همچنین آزمون کرویت بارتلت با مقدار ۹۴۷۱/۲۴۷ در سطح ۰/۰۰۰ معنی دار است که حاکی از مناسب بودن مدل عاملی است. نتایج مربوط به آزمون تحلیل عاملی در جدول شماره ۱ نشان دهنده روایی مناسب سازه است.

نتایج جدول ۱ نشان می دهد، ۷ عامل دارای مقدار ویژه بیشتر از یک هستند، که از ۱۰/۸۰۲ تا ۱/۵۹۷ می باشند، عامل اول بیش از ۱۵ درصد و عامل آخر حدود ۵ درصد از واریانس و عوامل تعیین شده روی هم رفته بیش از ۵۲ درصد کل واریانس را به خود اختصاص داده اند.

جدول ۱: نتایج آزمون تحلیل عاملی متغیر مسئولیت پذیری اجتماعی

| نام عامل      | مقدار ویژه | درصد تبیین کنندگی واریانس | درصد تجمعی واریانس تبیین شده |
|---------------|------------|---------------------------|------------------------------|
| خود مدیریتی   | ۱۰/۸۰۲     | ۱۵/۷۷۶                    | ۱۵/۷۷۶                       |
| قانون مندی    | ۴/۲۶۸      | ۷/۱۶۸                     | ۲۲/۹۴۴                       |
| وظیفه شناسی   | ۳/۱۴۹      | ۶/۹۹۲                     | ۲۹/۹۳۶                       |
| سازمان یافتگی | ۱/۹۰۸      | ۵/۹۳۴                     | ۳۵/۸۷۰                       |
| نظم پذیری     | ۱/۸۴۷      | ۵/۸۰۷                     | ۴۱/۶۷۷                       |
| پیشرفت گرایی  | ۱/۶۴۰      | ۵/۷۶۷                     | ۴۷/۴۴۳                       |
| امانت داری    | ۱/۵۹۷      | ۵/۰۰۹                     | ۵۲/۴۵۲                       |

برای محاسبه پایایی پرسشنامه از روش محاسبه آلفای کرونباخ استفاده شده است. بر اساس جدول ۱ همبستگی درونی گویه‌های هر یک از شاخص‌ها تایید می شود.

جدول ۲: ضریب آلفای کرونباخ

| متغیرها       | ضریب آلفای کرونباخ |
|---------------|--------------------|
| مسئولیت پذیری | ۰/۸۵۴              |
| خود مدیریتی   | ۰/۸۵۵              |

|       |               |
|-------|---------------|
| ۰/۷۰۶ | قانون مندی    |
| ۰/۷۰۰ | وظیفه شناسی   |
| ۰/۶۹۹ | سازمان یافتگی |
| ۰/۷۰۱ | نظم پذیری     |
| ۰/۷۱۰ | پیشرفت گرایی  |
| ۰/۷۰۴ | امانت داری    |
| ۰/۷۰۹ | محرومیت نسبی  |

### یافته‌های پژوهش

#### الف) یافته‌های توصیفی

براساس یافته‌های پژوهش، میانگین سنی پاسخگویان ۳۳/۹ است، کمترین سن ۱۸ سال و بیشترین سن پاسخگویان ۷۰ سال است. همچنین براساس نتایج به دست آمده ۳۶/۵ درصد از پاسخگویان زن و ۶۳/۵ درصد از آنها مرد می‌باشند. همچنین ۴۷/۹ درصد پاسخگویان مجرد، ۴۵/۶ درصد پاسخگویان متأهل، ۲/۶ درصد پاسخگویان مطلقه و ۳/۹ درصد پاسخگویان همسر فوت شده می‌باشند.

چنان که نتایج جدول شماره ۳ در بخش نتایج مربوط به آماره‌های متغیر مسئولیت پذیری اجتماعی و مولفه‌های آن نشان می‌دهد، میانگین مسئولیت‌پذیری اجتماعی در مقیاس تعریف شده برای سنجش آن برابر ۹۵/۹۴۵۳ است که با توجه به دامنه مقیاس بکار رفته برای سنجش آن کمتر از مقدار متوسط ممکن برای این متغیر می‌باشد. بررسی نرمال بودن داده‌ها برای این متغیر با بررسی میزان چولگی و کشیدگی انجام شده است. در صورتی که چولگی و کشیدگی بین ۲ و ۲- قرار گیرد توزیع داده‌ها نرمال و در غیر این صورت توزیع داده‌ها غیر نرمال می‌باشد. چولگی و کشیدگی برای متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی به ترتیب ۰/۵۷۴ و ۰/۰۸۵ می‌باشد، که حاکی از نرمال بودن توزیع داده‌ها است.

جدول ۳: آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و ابعاد آن

| متغیر                 | کمینه | پیشینه | میانگین | میانگین مورد انتظار |
|-----------------------|-------|--------|---------|---------------------|
| مسئولیت‌پذیری اجتماعی | ۶۰    | ۱۵۷    | ۹۵/۹۴۵۳ | ۱۰۵                 |

|      |         |    |    |               |
|------|---------|----|----|---------------|
| ۳۰   | ۲۴/۷۲۶۶ | ۴۶ | ۱۲ | خودمدیریتی    |
| ۱۰   | ۹/۰۳۱۳  | ۲۰ | ۴  | قانون مندی    |
| ۱۷/۵ | ۱۴/۴۳۲۳ | ۳۴ | ۷  | وظیفه شناسی   |
| ۱۵   | ۱۴/۶۲۷۶ | ۲۶ | ۶  | سازمان یافتگی |
| ۱۰   | ۱۰/۶۲۷۶ | ۱۸ | ۴  | نظم پذیری     |
| ۱۰   | ۷/۴۷۴۰  | ۱۸ | ۴  | پیشرفت گرایی  |
| ۱۵   | ۱۵/۰۲۶۰ | ۲۷ | ۶  | امانت داری    |
| ۳۷/۵ | ۳۸/۸۸۵۴ | ۶۷ | ۱۷ | محرومیت نسبی  |

آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر محرومیت نسبی در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد میانگین متغیر محرومیت نسبی، در مقیاس تعریف شده برای سنجش آن برابر ۳۸/۸۸۵۴ می‌باشد که در از مقدار متوسط مقیاس تعریف شده است. همچنین چولگی و کشیدگی برای این متغیر به ترتیب ۰/۲۲۷ و ۰/۴۲۷ می‌باشد که نشان می‌دهد توزیع داده‌ها برای این متغیر نیز نرمال است.

#### ب) یافته‌های استنباطی

برای بررسی رابطه بین متغیر محرومیت نسبی و مسئولیت پذیری اجتماعی از محاسبه ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده و چنان که نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، بین متغیر محرومیت نسبی با مسئولیت پذیری اجتماعی ارتباط معنادار و معکوسی وجود دارد، یعنی با افزایش محرومیت نسبی، میزان مسئولیت پذیری اجتماعی افراد کاهش می‌یابد.

جدول ۴: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون متغیر محرومیت نسبی و مسئولیت پذیری اجتماعی

| متغیرها      | مسئولیت پذیری | خود مدیریتی | قانون مندی | وظیفه شناسی | سازمان یافتگی | نظم پذیری | پیشرفت گرایی | امانت داری |
|--------------|---------------|-------------|------------|-------------|---------------|-----------|--------------|------------|
| ضریب همبستگی | -۰/۲۸۰        | -۰/۳۴۵      | -۰/۱۷۸     | -۰/۰۶۴      | -۰/۲۲۴        | -۰/۰۸۸    | -۰/۰۵۸       | -۰/۲۱۷     |
| معنی داری    | *۰/۰۰۰        | *۰/۰۰۰      | *۰/۰۰۰     | ۰/۲۰۷       | *۰/۰۰۰        | ۰/۰۸۴     | ۰/۲۲۵        | *۰/۰۰۰     |

ns و \* به ترتیب نشانگر غیر معنی دار و معنی دار در سطح اطمینان ۹۵ درصد است

برای بررسی تفاوت میانگین مسئولیت‌پذیری اجتماعی برحسب جنس از آزمون t مستقل استفاده شده است. نتایج جدول شماره ۵ نشان می‌دهد تفاوت میانگین مسئولیت‌پذیری اجتماعی پاسخگویان برحسب جنسیت معنادار است. براساس یافته‌ها میانگین متغیر در مردان نسبت به زنان بیشتر است و به عبارت دیگر به نظر می‌رسد مردان از مسئولیت‌پذیری اجتماعی بالاتری برخوردارند.

جدول ۵: نتایج آزمون t مستقل مسئولیت‌پذیری اجتماعی برحسب جنس پاسخگویان

| جنسیت | میانگین مسئولیت‌پذیری اجتماعی | تفاوت میانگین | درجه آزادی | سطح معنی داری |
|-------|-------------------------------|---------------|------------|---------------|
| مرد   | ۹۶/۹۰۹                        | ۱/۲۳۶         | ۳۸۲        | ۰/۰۰۵         |
| زن    | ۹۴/۲۶۴                        | ۱/۳۸۷         |            |               |

ns و \* به ترتیب نشانگر غیر معنی دار و معنی دار در سطح اطمینان ۹۵ درصد است

برای بررسی تفاوت میانگین محرومیت نسبی برحسب جنس از آزمون t مستقل استفاده شده است. نتایج جدول شماره ۶ نشان می‌دهد تفاوت میانگین محرومیت نسبی پاسخگویان برحسب جنسیت معنادار است. براساس یافته‌ها میانگین متغیر در مردان نسبت به زنان کمتر است و به عبارت دیگر به نظر می‌رسد زنان نسبت به مردان از محرومیت بیشتری برخوردارند.

جدول ۶: نتایج آزمون t مستقل محرومیت نسبی برحسب جنس پاسخگویان

| جنسیت | میانگین محرومیت نسبی | تفاوت میانگین | درجه آزادی | سطح معنی داری |
|-------|----------------------|---------------|------------|---------------|
| مرد   | ۴۰/۱۹۶۷              | ۰/۵۱۴۱        | ۳۸۲        | ۰/۰۰۷         |
| زن    | ۴۰/۴۰۰۰              | ۰/۶۱۲۲        |            |               |

ns و \* به ترتیب نشانگر غیر معنی دار و معنی دار در سطح اطمینان ۹۵ درصد است

برای بررسی رابطه بین سن و مسئولیت‌پذیری اجتماعی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. چنان که نتایج جدول شماره ۷ نشان می‌دهد بین سن افراد با مسئولیت‌پذیری اجتماعی ارتباط معنی دار وجود ندارد.

جدول ۷: نتایج آزمون همبستگی بین سن با مسئولیت پذیری اجتماعی

| متغیرها | مسئولیت پذیری |
|---------|---------------|
| سن      | ضریب همبستگی  |
|         | سطح معنی داری |

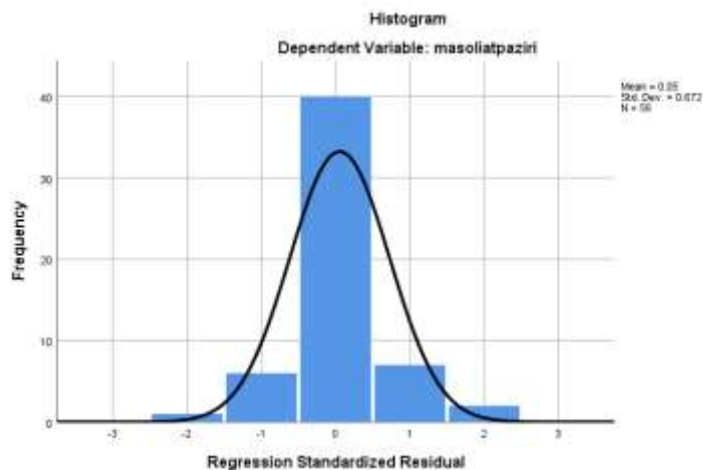
ns و \* به ترتیب نشانگر غیر معنی دار و معنی دار در سطح اطمینان ۹۵ درصد است

برای بررسی تفاوت میانگین مسئولیت پذیری اجتماعی بر حسب وضعیت تاهل از آزمون t مستقل، استفاده شده است. چنان که یافته‌های جدول شماره ۸ نشان می‌دهد، سطح معنی داری برابر با ۰/۰۲۰ می‌باشد که از سطح معنی داری ۵ درصد کوچکتر است، بنابراین  $H_1$  تایید می‌شود. به عبارت دیگر تفاوت معنی داری بین میانگین مسئولیت پذیری افراد بر حسب وضعیت تاهل وجود دارد. با توجه به بزرگتر بودن میانگین نمرات مجردها می‌توان گفت مسئولیت پذیری اجتماعی آنها بیش از افراد متاهل است.

جدول ۸: نتایج آزمون t مستقل مسئولیت پذیری اجتماعی بر حسب وضعیت تاهل پاسخگویان

| وضعیت تاهل | میانگین مسئولیت پذیری اجتماعی | تفاوت میانگین | درجه آزادی | سطح معنی داری |
|------------|-------------------------------|---------------|------------|---------------|
| مجرد       | ۱۰۴/۷۰۱۱                      | ۱/۴۳۵۵۸       | ۳۵۷        | ۰/۰۲۰         |
| متاهل      | ۱۰۱/۳۳۱۴                      | ۱/۲۴۹۱۱       |            |               |

برای تعیین تأثیرگذاری متغیرها از رگرسیون خطی استفاده شده است. همان گونه که در نمودار شماره ۱ مشاهده می‌شود، توزیع داده‌ها در این پژوهش نرمال است.



نمودار شماره ۱ توزیع نرمال داده‌ها برای متغیر مسئولیت پذیری اجتماعی بررسی نتایج رگرسیون برای متغیر محرومیت نسبی و وضعیت تاهل نتایج معنی دار نشان می‌دهد و سایر متغیرهای مورد بررسی در معادله رگرسیونی تاثیر معنی داری بر مسئولیت پذیری اجتماعی ندارند. جدول شماره ۹ نتایج رگرسیون برای متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۹: آماره های مرتبط با محاسبه ضرایب رگرسیونی

| سطح معنی داری | t      | ضرایب استاندارد | ضرایب غیر استاندارد |          | متغیر        |
|---------------|--------|-----------------|---------------------|----------|--------------|
|               |        |                 | خطای استاندارد      | B        |              |
| ...           | ۲۴.۴۲۸ | <b>Beta</b>     | خطای استاندارد      | <b>B</b> |              |
| ۰/۱۸۶         | -۱.۳۳۴ |                 | ۵/۳۴۵               | ۱۳۰/۵۵۸  | مقدار ثابت   |
| ۰/۰۸۶         | -۱.۷۲۰ | -۰/۰۶۵          | ۱/۸۹۰               | -۲/۵۰۲   | جنس          |
| ۰/۱۰۴         | ۱.۶۲۸  | -۰/۱۱۷          | ۰/۱۰۴               | -۰/۱۸۰   | سن           |
| ۰/۰۱۸         | -۵.۶۶۲ | ۰/۱۱۱           | ۱/۷۴۰               | ۲/۸۳۴    | تاهل         |
| ۰/۰۰۰         | ۲۴.۴۲۸ | -۰/۲۸۰          | ۰/۱۱۱               | -۰/۶۳۰   | محرومیت نسبی |

با توجه به نتایج به دست آمده مدل رگرسیونی رابطه معکوس بین محرومیت نسبی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را تایید کرده و نشان می‌دهد که به ازای یک واحد تغییر در



محرومیت نسبی میزان مسئولیت پذیری به میزان ۰/۲۸ واحد کاهش می یابد. همچنین در مورد وضعیت تاهل، میزان تاثیر بر مسئولیت پذیری اجتماعی ۰/۱۱ واحد است.

### نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف کلی بررسی رابطه بین محرومیت نسبی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی انجام شده است. نتایج به دست آمده حاکی از رابطه معنادار و معکوس بین محرومیت نسبی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. به عبارت دیگر هر چقدر محرومیت نسبی افراد بالاتر باشد، مسئولیت‌پذیری اجتماعی افراد در سطح پایینی قرار دارد. این یافته‌ها با نظریه ترنر در ارتباط با اینکه فقر و محرومیت اجتماعی از جمله عوامل مهم کاهش احساس شهروندی است پشتیبانی می‌شود. ترنر با آن دسته از نظرات مارکسیست‌های کلاسیک از جمله باورهای خود مارکس موافقت دارد که جامعه‌های سرمایه‌داری نوین به دلیل ماهیت طبقاتی و نابرابری اجتماعی و اقتصادی برای تبدیل شدن به یک جامعه مدنی که تضمین‌کننده حقوق شهروندی آحاد شهروندان باشد، فاصله زیادی دارد. عدم بهره‌مندی از زندگی مناسب خود سبب احساس فقر و محرومیت می‌شود. احساس فقر و محرومیت تمایل به احساس هویت داشتن به عنوان یک شهروند در جامعه و شهر را کاهش می‌دهد. مشاهده برخورداری گسترده از سوی طبقات ثروتمند و افزایش دامنه تعدی‌های گروه‌های قدرتمند اقتصادی، نادرها و محرومان را متوجه شرایط بد خودشان کرده است. همین موضوع سبب می‌شود حس شهروندی در آنان در مرتبه بعد از حس برابری و عدالت‌جویی در توزیع ثروت و امکانات جامعه قرار گیرد. این نتایج با تحقیق گل‌پرور، جمشیدیان (۱۳۹۵) که با هدف بررسی رابطه مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه در دانشجویان انجام شده است نیز مطابقت دارد. همچنین با نتایج تحقیق کالن، کیم، گئورگیو، ماتیوس (۲۰۱۷) که با هدف بررسی روابط متقابل بین طبقه اجتماعی، محرومیت نسبی شخصی و اجتماعی بودن صورت گرفته و نیز با نتایج تحقیق کارن پیچ وینتریچ (۲۰۱۴) که تحت عنوان «پذیرش نابرابری مانع از مسئولیت می‌شود: چگونه فاصله قدرت رفتار خیرخواهانه را کاهش می‌دهد» انجام شده است، مطابقت دارد.

نتایج حاصل از بررسی روابط و تفاوت میانگین متغیر وابسته پژوهش نسبت به متغیرهای سن، جنس و وضعیت تاهل که دیگر فرضیه های پژوهش حاضر می باشد نشان دهنده آن است که بین مسئولیت پذیری اجتماعی با متغیر سن افراد رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین نتایج در ارتباط با تفاوت میانگین مسئولیت پذیری اجتماعی بر حسب جنس و وضعیت تاهل نشان دهنده آن است که میانگین مسئولیت پذیری اجتماعی در مردان و افراد مجرد بیشتر است. از سوی دیگر نتایج بدست آمده حاکی از آن است که زنان بیشتر از مردان محرومیت نسبی را تجربه می کنند؛ به نظر می رسد با توجه به رابطه معکوس محرومیت نسبی و مسئولیت پذیری اجتماعی، احساس محرومیت نسبی بیشتر در زنان یکی از علل مرتبط با کاهش مسئولیت پذیری در زنان باشد. در ارتباط با این نتایج از دیدگاه اجتماعی روانی، زنان و مردان از لحاظ ملاحظات زیست شناختی، نقش و مسئولیت هایی که جامعه برای آنها و موقعیت شان در خانواده و اجتماع طراحی می کند، متفاوت هستند. در این رویکرد، عوامل روانی اجتماعی، مثل حمایت اجتماعی، ارتباطات اجتماعی، کنترل کار و... بیشتر در نظر گرفته می شوند. مردم دیگران را به عنوان استاندارد برای مقایسه خود و خود ارزیابی شان در نظر می گیرند و نابرابری اجتماعی به توزیع نابرابر استرس های روانشناختی طولانی مدت منجر می شود که بسته به منابع ضربه گیر موجود، از جمله حمایت اجتماعی و سرمایه اجتماعی بر سلامت فرد اثر می گذارد. این نتایج با یافته های پژوهش سفیری و میرزائی (۱۴۰۱) مطابقت دارد. براساس نتایج این پژوهش اوضاع سخت اقتصادی و وضعیت نامناسب اجتماعی و فرهنگی به عنوان محدودکننده ترین عوامل از سوی مصاحبه کنندگان تلقی شد که حرکت دختران را در رسیدن به هدف های متعالی متوقف یا کند می کند.

می توان نتیجه گرفت در روند شهری شدن سریع تبریز در سال های اخیر که جمعیت آن را به بیش از یک و نیم میلیون نفر افزایش داده، به دلیل احساس محرومیت نسبی در میان شهروندان، چه آنها که در برابر تغییرات سریع ناشی از نوسازی احساس محرومیت می کنند و چه آنها که با مقایسه وضعیت خود با سایر گروه های اجتماعی احساس محرومیت می کنند، مسئولیت پذیری اجتماعی کاهش می یابد. این شهر به عنوان قطب اداری، ارتباطی، بازرگانی، سیاسی، صنعتی، فرهنگی و نظامی شمالغرب کشور اگرچه قطب جاذب جمعیت است اما به

نظر می‌رسد امکان برخورداری برابر از امکانات و زیرساخت‌های آن برای همه گروه‌های اجتماعی فراهم نبوده و از این رو احساس محرومیت نسبی در آن بیشتر از متوسط قابل انتظار است. با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود، بستری مناسب برای کاهش میزان احساس محرومیت نسبی در بین اقشار مختلف جامعه بخصوص زنان از طریق بالا بردن شاخص‌های مرتبط با رفاه مادی و اجتماعی صورت بگیرد. با توجه به رابطه معکوس بین محرومیت نسبی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی لازم است اقداماتی برای کاهش تبعیض و نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی توسط دولت و نهادهای مربوطه صورت بگیرد. همچنین با توجه به پایین بودن میزان مسئولیت‌پذیری در جامعه مورد مطالعه، تبدیل موضوع مسئولیت‌پذیری اجتماعی به یک دغدغه اجتماعی، تکلیف و وظیفه، توسط فضای مجازی و رسانه ملی؛ می‌تواند عاملی موثر در جهت افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی باشد.

#### منابع

- آزموده، فهیمه (۱۳۹۹)، تاثیرات کرونا بر زندگی زنان سرپرست خانوار منطقه ۱ تهران، فصلنامه تامین اجتماعی، سال پانزدهم، شماره چهارم، ۵۲-۳۵.
- اصغر نژاد، نجف؛ داودی، کورش (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی زنان و برابری و تعادل در فرصت‌ها در بین زنان ۲۰-۴۰ سال شهر دهدشت، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و روانشناسی و علوم اجتماعی.
- ابویسانی، سحر؛ حجاجی، سیدناصر؛ محمدی، سیداصغر (۱۳۹۹)، تبیین جامعه شناختی تأثیر محرومیت اجتماعی بر عهدشکنی مردان و زنان (مطالعه موردی: استان خراسان رضوی)، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۳۲۴-۲۹۷.
- اقدام پور، رضا؛ کشتی‌آرای، نرگس؛ اسماعیلی، رضا (۱۳۹۸)، تجارب زیسته انشجویان از مسئولیت‌پذیری اجتماعی در دانشگاه، دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال دهم، شماره بیستم، ۲۶۴-۲۳۷.

- امام جمعه زاده، سید جواد؛ رهبرقاضی، محمودرضا؛ عیسی نژاد، امید؛ مرنیدی، زهره (۱۳۹۱)، بررسی رابطه میان احساس محرومیت نسبی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان، دو فصلنامه علمی - پژوهشی دانش سیاسی، سال هشتم، شماره اول، ۶۸-۳۷.
- احمدی، معصومه؛ جعفری نیا، غلامرضا؛ کیخسروانی، مولود (۱۴۰۱)، مدل جامعه شناختی عوامل مؤثر بر میزان مسئولیت پذیری اجتماعی شهروندان بوشهری، روانشناسی سلامت و رفتار اجتماعی دوره دوم، شماره دوم، ۵۸-۴۷.
- اینانلو، کلثوم (۱۳۹۹)، استفاده از علوم اجتماعی و رفتاری برای پشتیبانی از پاسخ به همه گیری کووید-۱۹، مجله زیست شناسی ایران (علمی) جلد چهارم، شماره هشتم، ۶۱-۴۹.
- احمدی زمانی، زهرا؛ گودرزی، اکرم؛ دیالمه، نیکو (۱۳۹۸)، مرور سیستماتیک عوامل مؤثر بر مسئولیت پذیری دانش آموزان با تاکید بر نقش مدرسه، دو فصلنامه علمی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، دوره هفتم، شماره سیزدهم، ۵۷-۲۳.
- ایمان، محمدتقی؛ جلائیان بخشنده، وجیهه (۱۳۸۹)، بررسی و تبیین رابطه بین مسئولیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در بین جوانان شهر شیراز، جامعه شناسی کاربردی، شماره اول، ۱۹-۴۲.
- امینی، سعیده؛ عزتی، نوید (۱۳۹۶)، بررسی جامعه شناختی احساس محرومیت نسبی جوانان مناطق توسعه یافته و کمتر توسعه یافته شهر تهران، توسعه محلی (روستایی - شهری)، دوره نهم، شماره اول، ۱۲۰-۱۰۱.
- بابایی، مریم، دانشجو، (۱۳۹۰)، بررسی رابطه محرومیت از حقوق شهروندی با احساس شهروندی در قومیت‌ها (بررسی سه قوم ترک، کرد و لر ساکن در تهران و اطراف)، پایاننامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (س).
- باباصفری، رضیه؛ سجادیان، ایلناز؛ نادی، محمدعلی (۱۳۹۷) الگوی تحلیل مسیر روابط بین نوع دوستی، نگرش‌ها و باورها با رفتار اجتماعی مطلوب در بین دانشجویان دختر، مجله روانشناسی اجتماعی، ۱۳ (۴۸)، ۱۱-۲۲.

- بهزادی، مظفر؛ سلطانی، اصغر؛ علی‌نژاد، مهرانگیز (۱۴۰۱)، بررسی روابط ساختاری میان مولفه‌های سواد محیط‌زیستی با فعالیت محیط‌زیستی دانشجویان (مورد مطالعه): دانشگاه شهید باهنر کرمان، پژوهش‌های محیط‌زیست، دوره سیزدهم، شماره بیست و پنجم، ۱۱۳-۱۳۲.
- تولایی، نوین؛ فلاح‌پیشه، اکرم (۱۳۹۰)، مطالعه‌ی اثر احساس نابرابری بر همکاری، مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره دوم، ۶۱-۳۳.
- تقوی، سید مهدی؛ خادمیان، طلیعه؛ متقی، ابراهیم؛ شیرزاد، هادی (۱۳۹۹)، تبیین جامعه‌شناختی اثر محرومیت اقتصادی و اجتماعی (محرومیت نسبی) بر گرایش به خشونت سیاسی شهروندان تهرانی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره شصت و سوم، ۵۱-۷۱.
- جواهری، فاطمه (۱۳۸۶)، کندوکاوی در آثار قشربندی جامعه: بررسی تاثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی دانشجویان بر گرایش‌ها و رفتار آنان، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره پنجاه و سوم، ۸۳-۱۱۶.
- جواهری، ارسلان؛ حقیقتیان، منصور (۱۴۰۱)، احساس محرومیت نسبی و پیامدهای آن، نشر: اصفهان: کاشف علم.
- حسینی، اکرم السادات؛ ضرغام حاجبی، مجید؛ حبیب‌زاده، عباس؛ احمدی فقیه، مریم (۱۳۹۷)، مقایسه مسئولیت‌پذیری و انگیزه پیشرفت تحصیلی در نوجوانان با مادران شاغل و خانه‌دار (پسر و دختر)، زن و مطالعات خانواده، سال دهم، شماره چهارم، ۲۹-۵۰.
- حیدری، حسین؛ ساروخانی، باقر؛ نوابخش، مهرداد (۱۳۹۹)، ارزیابی وضعیت محرومیت نسبی فردی و گروهی در شهر تبریز و تاثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر آن، مجله مطالعات اجتماعی اقوام، دوره اول، شماره اول، ۱۷۹-۱۴۹.
- خواجه نوری، بیژن؛ مساوات، سید ابراهیم؛ ریاحی، زهرا (۱۳۹۳)، رابطه سبک زندگی و مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی (مطالعه موردی: نوجوانان دبیرستانی شیراز)، جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره چهارم، ۴۵-۶۴.

خاوری، کبری؛ سجادی، حمیرا؛ حبیب پورگنابی، کرم؛ طالبی، مهدی (۱۳۹۱)، رابطه ابعاد احساس نابرابری جنسیتی با سلامت روان، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳(۴۸)، ۱۱۱-۱۲۸.

- درویشی، عبدالواحد (۱۳۹۴)، تاثیر روش تدریس مشارکتی بر مسئولیت پذیری، پیشرفت تحصیلی و اعتماد به نفس دانش آموزان متوسطه شهرخرامه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.

- دومین کنگره بین المللی مدیریت، اقتصاد، علوم انسانی و توسعه کسب و کار، ۱۴۰۲،

<https://www.icmba.ir/fa/?id=55&p=2>

- رستگارخالد، امیر؛ محمدی، میثم؛ اسماعیل بیگی، معصومه (۱۳۹۳)، ارتباط احساس محرومیت نسبی با همبستگی اجتماعی بین جوانان شهر تهران، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره سوم، شماره سوم، ۴۹۵-۴۷۳.

- ریاحی، وحید؛ رستمیان، معصومه (۱۴۰۱)، سنجش آگاهی زنان روستایی از مؤلفه های مدیریت بحران بلایای طبیعی (مطالعه موردی: شهرستان دامغان)، فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، دوره دوازدهم، شماره اول، ۲۰-۹.

- رحیمی، حمید؛ مدنی، سید احمد؛ محمدیان، آسیه (۱۳۹۴)، بررسی رابطه بین هوش اخلاقی و سرمایه اجتماعی با مسئولیت پذیری دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه کاشان)، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال پنجم، شماره اول، ۱۲۵-۱۰۱.

- رمضان خواه، متین، دانشجو، (۱۳۹۵)، بررسی رابطه احساس محرومیت نسبی با همبستگی اجتماعی، پایان نامه دانشگاه الزهرا (س).

- زمانی، طوبی؛ محسنی تبریز، علیرضا؛ شاه محمدی، عبدالرضا (۱۳۹۹)، تبیین جامعه شناختی احساس ناامنی اجتماعی و تاثیر آن بر نابدباری اجتماعی (مورد مطالعه ساکنان بالای ۸۱ سال شهر تهران)، فصلنامه علمی امنیت ملی، سال دهم، شماره سی و هشتم، ۳۶۳-۳۸۸.

- سفیری، خدیجه؛ میرزائی، معصومه (۱۴۰۱)، تجربه زیسته دختران حاشیه نشین از مفهوم محرومیت: مورد مطالعه منطقه حاشیه نشین دولت آباد استان کرمانشاه، پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، سال یازدهم، شماره اول، ۵۴-۳۳.

- سوری، احمد؛ کرمی، ذبیح اله (۱۳۹۳)، بررسی رابطه ابعاد مسئولیت پذیری با عملکرد فرماندهان کوپ استان اردبیل، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال نهم، شماره چهارم، ۶۲۳-۶۴۵.
- شفیعی، صابر؛ علیدادی، فرامرز؛ صفری، صغری زاده (۱۴۰۰)، بررسی مسئولیت پذیری دانش آموزان، فصلنامه مطالعات و تحقیقات در علوم رفتاری، سال سوم، شماره ششم، ۶۶-۷۴.
- شاهی، میلاد، دانشجو، (۱۳۹۹)، بررسی میزان احساس محرومیت نسبی دانش آموزان متوسطه دوم و عوامل اجتماعی مرتبط با آن در شهر قره آغاج، پایاننامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- صفاریان، محسن؛ ادهمی، عبدالرضا؛ مرادی، علی (۱۳۹۹)، شناخت رابطه بین فردگرایی و محرومیت نسبی با بی تفاوتی اجتماعی (مورد مطالعه: جوانان شهر کرمانشاه)، فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ- ارتباطات، سال بیست و یکم، شماره چهل و نه، ۲۸۷-۲۵۵.
- طالبی، ابوتراب؛ بحری پور، امیرحسین (۱۳۹۳)، بررسی میزان چگونگی جمع گرایی در مسئولیت پذیری اجتماعی (مطالعه موردی شهروندان شهر کاشان)، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره شصت و شش، ۳۷-۷۲.
- فندرسی، لیلاالسادات، ادریسی، افسانه؛ موسائی، میثم (۱۴۰۱)، فقر، احساس محرومیت نسبی و کیفیت زندگی (مطالعه موردی: شهروندان تهران)، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهل و یکم، ۱۹۹-۳۲۸.
- قاسمی، محمد مهدی؛ کردزنگنه، منوچهر؛ حسابی، احمد علی (۱۳۹۶)، بررسی رابطه چندگانه بین احساس محرومیت نسبی و احساس تبعیض با بی تفاوتی اجتماعی در بین جوانان شهر اهواز، اولین کنفرانس ملی پژوهش های نوین ایران و جهان در روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی.
- قاسمی، وحید؛ عریضی، حمیدرضا؛ مردانی، حمید (۱۳۸۹)، تحلیلی جامعه شناختی بر احساس عدالت در بین معلمان شهر زنجان، فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۳۷، ۵۱-۱۰۷.

- قاضی زاده، هورامان؛ کیانپور، مسعود (۱۳۹۴)، بررسی میزان بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان)، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال چهارم، شماره اول، شماره پیاپی (۹)، ۵۹-۷۸.
- کرد علیوند، سهیلا؛ مبارکی، محمد (۱۳۹۷)، بررسی رابطه احساس محرومیت نسبی و بزهکاری نوجوانان (مطالعه تطبیقی دانش آموزان مقطع متوسطه شهرهای خرم‌آباد و یزد)، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال هفتم، شماره سیزدهم، ۳۶-۱.
- کوه‌بنانی، حمیدرضا؛ تیموریان، رویا؛ نیرآبادی، هادی؛ یزدانی، محمدرضا (۱۳۹۶)، بررسی عوامل موثر بر احساس محرومیت نسبی (مطالعه موردی شهرک شهید بهشتی مشهد)، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم انداز زاگرس، دوره نهم، شماره سی و یکم، ۱۲۰-۱۰۵.
- کوئن، بروس (۱۳۹۳)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام‌عباس توسلی، رضا فاضل، نشر: سمت.
- کوششی، مجید؛ میرزایی، محمد؛ محمودیان، حسین؛ الماسی، مسعود (۱۳۹۸)، بررسی رابطه ابعاد احساس نابرابری جنسیتی و به زیستی اجتماعی زنان شهر ایلام، مطالعات زاجتماعی-روانشناختی زنان، ۱۷(۳)، ۷-۳۰.
- گلابی، فاطمه؛ علیزاده اقدم، محمدباقر؛ زارع‌زاده اردشیر، لیلا (۱۳۹۹)، سنجش رابطه میان سرمایه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و تحقیرشدگی زنان، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۱(۱)، ۲۵۱-۲۸۴.
- گل‌پرور، محسن؛ جمشیدیان، محمدحسین (۱۳۹۵)، رابطه مسئولیت‌پذیری اخلاقی و اجتماعی با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه در دانشجویان، فصلنامه علمی-ترویجی اخلاق، سال ششم، شماره بیست و دوم، ۱۳۰-۹۹.
- میرمحمدی، منیرسادات؛ حقیقتیان، منصور؛ جهانبخش، اسماعیل (۱۳۹۵)، عوامل اجتماعی-فرهنگی موثر بر مسئولیت‌پذیری جوانان شهر تهران، دوره پانزدهم، شماره سی و چهارم، ۰-۰.



- نیکخواه، هدایت؛ جهانشاهی فرد، پریسا (۱۳۹۳)، بررسی میزان مسولیت پذیری اجتماعی شهروندان بندر عباس و عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر بر آن، مطالعات جامعه شناختی شهری، سال پنجم، شماره سیزدهم، ۱۳۴-۱۰۹.

- ورنر بیرهوف، هانس (۱۳۹۵)، رفتارهای اجتماعی مطلوب از دیدگاه روانشناسی اجتماعی، ترجمه: رضوان صدقی نژاد، نشر: گل آذین.

- هاشمیان -

فر، سیدعلی؛ افروز، صدیقه؛ برزگر ولیکچالی، حسین؛ آقابابایی، عزیزاله؛ بابامیر، اسداله (۱۳۹۳)، بررسی تجددگرایی و محرومیت نسبی در استفاده از لوازم آرایشی از دیدگاه دانشجویان، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی جوانان، ۵(۱۶)، ۱۴۱-۱۶۰.

-Callan, M. J., Kim, H., Gheorghiu, A. I., Matthews, W. J. (2017). The interrelations between social class, personal relative deprivation, and personality. *Journal of Social Psychological and Personality Science*, 8(6), 660-669.

Cohen N, Mizrahi S, Vigoda-Gadot E. Alternative provision of public health care: the role of citizens' satisfaction with public services and the social responsibility of government. *Health Economics, Policy and Law*. 2022;17(2):121-140. doi:10.1017/S1744133120000201

-Droms Hatch, C., & Stephen, S. A. (2015). Gender effects on perceptions of individual and corporate social responsibility. *Journal of Applied Business and Economics*, 17(3), 63.

Jarmusevica V., Ilisko, D. Badjanova J., Jukšs V., Petrova M. (2019) EDUCATING CITIZENS FOR IMPLEMENTING THE STRATEGY OF CORPORATE SOCIAL RESPONSIBILITY FOR SUSTAINABLE REGIONAL DEVELOPMENT: THE CASE STUDY, EDULEARN19 Proceedings, pp. 10449-10454.

-Winterich, K. P., Zhang, Y. (2014). Accepting Inequality Deters Responsibility: How Power Distance Decreases Charitable Behavior. *Journal of Consumer Research*, 274-293

-Sreenivasulu, S. E. (2013). Performance standards for responsibility in education a case study. *Int. J. Adv. Res. Technol*, 2(5).

Saleh, A., (2013). Relative Deprivation Theory, Nationalism, Ethnicity and Identity Conflicts, *Geopolitics Quarterly*, Volume: 8, No 4, PP 156-174.